زید بن علی(ع)

تاريخ پيدايش زيديه، به قرن دوم هجرى باز مى‏گردد. آنان پس از شهادت امام حسين، زيد شهيد، فرزند امام زين العابدين را امام مى‏دانند. و امام زين العابدين را تنها پيشواى علم و معرفت مى‏شمارند، نه امام به معنى رهبر سياسى و زمامدار اسلامى. زيرا ، يكى از شرايط امام از نظر آنان، قيام مسلحانه بر ضد ستمگران است. اكثر نويسندگان زيدى، امام زين العابدين را در شمار امامان خود ندانسته و به جاى او حسن مثنى، فرزند امام حسن مجتبى را امام خود مى‏دانند.

تاريخ زندگى و شخصيت زيد بن على

مورخان، در تاريخ ولادت و شهادت زيد بن على اختلاف كرده‏اند، از سالهاى ۷۵، ۷۸ و ۸۰ هجرى به عنوان تاريخ ولادت، و از سالهاى ۱۲۰، ۱۲۱ و ۱۲۲ به عنوان سالهاى شهادت او ياد شده است. ولى مشهور اين است كه مجموع دوران زندگى او ۴۲ سال بوده است. اين مدت با دو قول در تاريخ ولادت و شهادت او هماهنگ است: يكى با (۱۲۰- ۷۸) و ديگرى با (۱۲۲- ۸۰) و قول اخير معروف‏تر است.

دیدگاه دانشمندان شیعی

دانشمندان اماميه شخصيت زيد را ستوده و او را به علم و دانش، تهجد و تقوا، زهد و پرهيزگارى، شجاعت و ظلم ستيزى وصف كرده‏اند. مرحوم شیخ مفید درباره او گفته است:

«زید بن علی بن الحسین پس از حضرت باقر عليه‏السلام شخصيت ممتاز در ميان برادران خود بود. فردى عابد، پرهيزگار، فقيه، سخاوتمند و شجاع به شمار مى‏رفت و به انگيزه امر به معروف و نهى از منكر و خونخواهى جدش حسين بن على عليه‏السلام قيام كرد. (۲)

كثرت انس او با قرآن سبب توصيف او به «حليف القرآن‏» (هم پيمان با قرآن) شده بود» . (۳)

اين نگرش ستايش آميز شيعه درباره به زيد از موضع و ديدگاه تكريم آميز ائمه اهل بيت عليهم السلام در مورد او سرچشمه مى‏گيرد.

دیدگاه شیخ بهایی

شيخ بهائى گفته است:

«ما از زيد جز به نيكى ياد نمى‏كنيم. از پيشوايان ما در تمجيد و تكريم وى روایات بسيارى وارد شده است، و امام صادق عليه‏السلام بسيار مى‏گفت: «خدا عمويم را رحمت كند» . (۴)

دیدگاه شیخ صدوق

شيخ صدوق در كتاب «عيون اخبار الرضا عليه‏السلام‏» بابى را به نقل روایات ائمه معصوم عليهم السلام در مدح و منقبت زيد اختصاص داده است. (۵)

روایات در مورد شخصیت زید

روایات مختلفی در مورد شخصیت زیدبن علی بن الحسین وارد شده است که به مهم ترین آن ها اشاره می نماییم.

 روایت اول

«روزى مامون در حضور امام رضا عليه‏السلام قيام زيد النار (برادر امام رضا) را بر ضد عباسيان يادآور شد و آن را با قيام زيد بن على بر ضد بنى اميه مقايسه كرد و افزود: اگر به خاطر رعايت احترام شما نبود او را مى‏كشتم. امام رضا عليه‏السلام در پاسخ مامون فرمود: «برادرم زيد را با زيد بن على مقايسه مكن. زيد بن على از دانشمندان آل محمد بود، وى براى خشنودى خدا خشمگين شد، و با دشمنان خدا جهاد كرد، و در راه خدا به شهادت رسيد. »

امام باقر عليه‏السلام زيد را تكريم فراوان مى‏كرد، چنانكه شيخ صدوق از ابى الجارود نقل كرده كه گفته است:

«من نزد امام باقر علیه‌السلام بودم كه زيد وارد شد. وقتى چشم امام باقر علیه‌السلام به او افتاد، فرمود: «او بزرگ خاندان خود و انتقام گيرنده خون آنهاست‏» . آنگاه خطاب به زيد فرمود: «البته برگزيده است مادرى كه تو را به دنيا آورده است اى زيد. . . » . (۶)

 روایت دوم

از جابر بن یزید جعفی روايت‏ شده است كه گفت: امام باقر عليه‏السلام را ديدم كه وقتى به برادرش زيد نگاه مى‏كرد اين آيه را تلاوت كرد:

فالذين هاجروا و اخرجوا من ديارهم و اوذوا فى سبيلى و قاتلوا و قتلوا لاكفرن عنهم سيئاتهم و لادخلنهم جنات تجرى من تحتها الانهار ثوابا من عند الله، و الله عنده حسن الثواب. (۷)كسانى كه هجرت كرده و از ديار خود رانده شده و در راه من اذيت ‏شده‏اند و جهاد كرده و به شهادت رسيده‏اند، لغزشهايشان را پوشيده، و آنان را به باغهايى كه نهرها از پايين آنها جارى است وارد مى‏ كنم، اين پاداشى از خداوند است، و بهترين پاداش نزد خداست.

آنگاه امام باقر عليه‏السلام اشاره به زيد كرد و گفت: «سوگند به خدا او از مصاديق اين آيه است. »(۸)

 روایت سوم

ابو الفرج اصفهانى از عبد الله بن جرير نقل كرده كه وى ديده است كه جعفر بن محمد ركاب زيد را مى‏گرفت و آنگاه كه بر مركب مى‏نشست، لباس وى را مى ‏آراست. (۹)

 نقد و ارزیابی

اگر اين گفته درست‏باشد، بيانگر اين است كه امام صادق عليه‏السلام عموى خود را گرامى مى‏داشت، و حرمت او را كه در سن، بزرگتر از وى بود، به سان پدر نگه مى‏ داشت. (۱۰)

 روایت چهارم

از برخى روايات به دست مى‏آيد كه قيام زيد مورد رضايت و تاييد امام صادق عليه‏السلام بوده است، چنانكه وقتى با امام صادق عليه‏السلام درباره قيام خود مشورت كرد، امام عليه‏السلام به او فرمود: «اى عمو، اگر خشنودى كه كشته شوى و بدنت را بردار بياويزند، پس اين كار را بكن‏» . و آن گاه كه زيد از نزد او مى‏رفت، امام صادق عليه‏السلام فرمود: «واى بر كسى كه فرياد يارى خواهى او را بشنود و او را يارى نكند» . (۱۱)

روایات دال بر مذمت شخصیت زید

گرچه در احاديث ‏شيعه رواياتى نيز دال بر نكوهش زيد يافت مى‏شود، ولى اين روايات از نظر سند قابل اطمينان نيستند، و از نظر عدد نيز تعداد روايات مدح بيش از روايات ذم است. از اين رو، محققان روايات ذم را مردود دانسته ‏اند.

استادان و شاگردان زيد

زيد قبل از هر فرد ديگر، از پدرش امام زين العابدين عليه‏السلام علم دين را آموخت، و پس از آن از برادرش امام باقر عليه‏السلام كسب دانش نمود، ولى علاوه بر آنان از افرادى چون ابان بن عثمان، عبيد الله بن ابى رافع و عروة بن زبير نيز كسب دانش كرده است، اما فرضيه علم اندوزى او از واصل بن عطا، كه برخى چون احمد امين مصرى و ديگران مطرح كرده‏اند، ثابت نشده و بعيد به نظر مى‏رسد، زيرا واصل از نظر سن، كوچكتر و يا با او هم سن بوده است.

از مشاهير شاگردان وى مى‏توان افراد زير را نام برد:

۱- منصور بن معتمر بن عبد الله سلمى كوفى (متوفاى ۱۳۲ ه)

۲- هارون بن سعد عجلى يا جعفى كوفى از مشايخ مسلم صاحب صحيح معروف بوده است.

۳- معاوية بن اسحاق بن زيد بن حارثه انصارى كه همراه با زيد به شهادت رسيد.

۴- ابو الجارود زياد بن منذر همدانى، رئيس فرقه جاروديه از فرقه‏هاى زيديه.

۵- حسن بن صالح.

۶- على بن صالح و برادرش حسن صالح.

۷- محمد بن عبد الرحمان بن ابى ليلى. وى از اصحاب امام صادق عليه‏السلام بوده است.

۸- عمرو بن خالد واسطى، راوى مسند زيد.

۹- اسماعيل بن عبد الرحمان سدى از بزرگان علماى كوفه (متوفاى سال ۱۲۷ ه)

۱۰- سليمان بن مهران اعمش از بزرگان علماى كوفه (متوفاى سال ۱۴۸ ه) . (۱۲)

زيد و معتزله

برخى از نويسندگان برآنند كه زيد در عقاید کلامی خود از واصل بن عطا مؤسس مذهب معتزله بهره گرفته، و از اين روى، آراى كلامى زيديه با عقايد معتزله هماهنگ است. اين فرضيه از نظر تاريخى به شهرستانى باز مى‏گردد، چنانكه گفته است، زيد در اصول، نزد واصل بن عطا، پيشواى معتزله تلمذ كرد.(۱۴) پس از وى برخى از نويسندگان اهل سنت و زيديه نيز آن را پذيرفته و نقل كرده‏اند.

 نقدو ارزیابی

ولى اين فرضيه- همان گونه كه قبلا يادآور شديم- دليل معتبرى ندارد. در اين جا سخن برخى از دانشمندان معاصر زيديه را در نقد اين فرضيه از نظر مى گذرانيم.

يكى از اشتباهات شايع، نسبت دادن زيديه در اصول عقايد به معتزله است و اين كه امام زيد شاگرد واصل بن عطا بوده است. شايد شهرستانى اولين نويسنده‏اى است كه اين سخن اشتباه را نقل كرده و ديگران از او گرفته‏اند. البته شهرستانى دليلى بر راى خود اقامه نكرده است، و شايد منشا اعتقاد او هماهنگى عقايد زيديه و معتزله در بسيارى از مسايل كلامى بوده است، ولى اين دليل كافى نيست تا فرقه‏اى را به فرقه ديگر منسوب كنيم.

از نظر همه مورخان روشن است كه در آن زمان، مدينه مركز علم و دانش بود، چنانكه وقتى از ابو حنيفه سؤال شد كه علوم خود را از چه كسى گرفته است، پاسخ داد: من در معدن و مركز علم بودم و از يكى از فقهاى آن علم آموختم، و مقصود او امام صادق عليه‏السلام است كه دو سال در محضر او كسب علم كرده است، چنانكه گفته است: «اگر آن دو سال نبود، نعمان هلاك مى‏شد» . (۱۵)

آراى كلامى زيد شهيد

زيد از مخزن علوم خاندان رسالت، يعنى پدر و برادر بزرگوار خود (امام زين العابدين عليه‏السلام و امام محمد باقر عليه‏السلام) كسب علم و دانش نمود. على القاعده بايد در مسايل مربوط به مبدا و معاد با عقايد اماميه هماهنگ بوده باشد، و اين مطلبى است كه از مطالعه آثار منسوب به وى به دست مى‏آيد. بنابر اين عقايد مخصوص زيديه در اين زمينه، در حقيقت، از ديگر پيشوايان زيديه است، و نه از زيد شهيد. دانشمندان زيديه و برخى از مورخان ملل و نحل، اين عقايد را به زيد نسبت داده‏اند، ولى دليلى بر درستى اين نسبت اقامه نكرده‏اند. حتى اگر رهبران زيديه نيز عقايد خاص خود را به زيد نسبت دهند، نمى‏توان آن را دليل معتبرى بر درستى نسبت اين عقايد به زيد دانست، زيرا آنان خود صاحب نظر و مجتهد بوده و احتمال دارد كه بر اساس اجتهاد خود نسبتى را به زيد داده باشند.

بنابر اين دليلى در دست نيست كه زيد در مسايل صفات خداوند، قضا و قدر، حكم مرتكبان كباير، بداء، رجعت، مهدويت و نظاير آن، مخالف عقيده ائمه اهل‌بيت عليهم السلام بوده، و آنچه زيديه به آن عقيده دارند، برگرفته از زيد است.

اصولا مطالعه تاريخ زندگى زيد گوياى اين حقيقت است كه وى بيش از آن كه امام در عقايد و احكام باشد، امام در جهاد و مبارزه مسلحانه بر ضد دستگاه جائر اموى بوده و آثار منسوب به او نيز بيشتر و تفسير و حديث مربوط است تا به عقايد و احكام. و از او روايت‏شده كه گفته است: «هر كس آماده جهاد است‏به من ملحق شود، و هر كس علم و دانش مى‏جويد به برادرزاده‏ام جعفر روى آورد» . (۱۶)

ائمه اهل بيت و قيام زيد

تاريخ زندگى ائمه اهل بيت عليهم السلام گوياى اين حقيقت است كه آنان هرگز با ستمكاران سر سازش نداشتند. از اين رو زمامداران جائر اموى و عباسى كه وجود آنها را مخالف اميال و مطامع خود مى‏ديدند، به گونه‏هاى مختلف آنان را شكنجه و آزار داده و سرانجام به شهادت مى‏رساندند. ولى شيوه مخالفت آنان با ستمگران متفاوت بود، و اين تفاوت نيز به خاطر تفاوت اوضاع و شرايط اجتماعى آنان بود. از اين رو، در عصرى كه زيد قيام كرد، موضع ائمه اهل‌بيت عليهم السلام اين بود كه آنان قيام مسلحانه خود را به مصلحت اسلام و مسلمين نمى‏دانستند، ولى اگر فرد يا گروهى بر ضد دستگاه حكومت فاسد و ظالم اموى قيام مى‏كرد، آن را تخطئه نكرده و هرگاه آنرا به جا و خدا پسندانه مى‏يافتند، به گونه‏هاى مختلف آن را حمايت مى‏كردند.

بدين جهت، قيام زيد مورد تاييد و رضايت ائمه اهل بيت عليه‏السلام بود، چنانكه وقتى خبر شهادت وى به امام صادق عليه‏السلام رسيد، آن حضرت پس از اداى كلمه استرجاع (انا لله و انا اليه راجعون) ، گفت:

«پاداش عمويم را از خدا مى‏خواهم. او عموى خوبى بود، فردى بود كه از دين و دنياى ما دفاع مى‏كرد. سوگند به خدا او به شهادت رسيد، چنانكه ياران رسول خدا و على و حسين عليهم السلام به شهادت رسيدند» . (۱۷)

و نيز فرمود:

«كسى كه بر زيد گريه كند با او در بهشت‏خواهد بود، و كسى كه او را سرزنش نمايد، شريك خون او خواهد بود» . (۱۸)

روايات بسيار ديگر كه در اين باره وارد شده است. (۱۹)

پانویس

۱. علامه سيد محسن امين، اعيان الشيعه، ج ۷، ص ۱۰۷، دكتر احمد محمود صبحى، الزيدية، ص ۶۵.

۲. الارشاد، ص ۱۷۱، مجلد ۱۱ از مصنفات شيخ مفيد.

۳. احمد بن على بن الحسين، (م / ۲۸۸ ه) عمدة المطالب، ص ۲۵۵.

۴. اعيان الشيعة، ج ۷، ص ۱۰۸.

۵. عيون اخبار الرضا، ج ۱، باب ۲۵، ص ۲۴۸.

۶. امالى شيخ صدوق، ص ۳۳۵۴، حديث ۱۱.

۷. آل عمران / ۱۹۵.

۸. بحوث فى الملل و النحل، ج ۷، ص ۷۱.

۹. مقاتل الطالبيين، ابو الفرج اصفهانى، ص ۸۷.

۱۰. بحوث فى الملل و النحل، ج ۷، ص ۷۳.

۱۱. عيون اخبار الرضا عليه‏السلام، ج ۱، ص ۲۴۸.

۱۲. به كتاب بحوث فى الملل و النحل، ج ۷، ص ۱۰۷- ۱۱۰ رجوع شود.

۱۳. بحوث فى الملل و النحل، ج ۷، ص ۱۱۹- ۱۲۵.

۱۴. ملل و نحل شهرستانى، ج ۱، ص ۱۳۸۹.

۱۵. الامام الصادق عليه‏السلام، ابو زهرة، ص ۲۸.

۱۶. كفاية الاثر، خزاز قمى، ص ۳۰۲.

۱۷. عيون اخبار الرضا عليه‏السلام، ۱ / ۲۵۲، باب ۲۵، حديث ۶.

۱۸. بحار الانوار، ۴۶ / ۱۹۳.

۱۹. به كتاب بحوث فى الملل و النحل، ج ۷، فصل ۱۰، رجوع شود.